

گرین کارت

آیدا قریبان (مؤسس)

وارآید (شرکت سهامی)

واروژان آجمیان

(وکیل دعاوی و متخصص در امور مهاجرت)

اطلاعیه

بنا به تلفنهای بی شمار و پرسش هموطنان در مورد بعضی اخبار و شایعات در باره تغییر مقررات و قوانین مهاجرتی در مورد ایرانیان متقاضی دریافت ویزای ورود به آمریکا و یا تقاضای اخذ گرین کارت این سؤال را بوجود آورده که محدودیتهای خاصی برای این دسته از متقاضیان بوجود آمده؟

اعلام می شود که قوانین موجود برای کلیه متقاضیان از سراسر دنیا یکسان می باشد و هیچگونه محدودیتی برای هموطنان گرامی تا به امروز وضع نشده و کماکان متقاضیان محترم در اقصی نقاط دنیا می توانند از طریق رشته های پزشکی، کامپیوتر و یا علوم دیگر در کوتاه ترین مدت پیش بینی شده در شرایط و مقررات مهاجرتی اخذ گرین کارت نمایند و همچنین افراد فنی می توانند از طریق رشته های مکانیکی، جوشکاری، برق اتومبیل، ساختمان با دارا بودن گواهینامه کار آموزی و یا ۲ سال تجربه کار و متقاضیان حرفه حسابداری، منشی گری، خیاطی، آشپزی و دیگر حرفه های موجود در مدت زمان کوتاه کارت اقامت دائم برای خود و خانواده دریافت دارند.

واروژان آجمیان

Tel(818) 240-2228

Fax (818) 543-0436

510 W. Garfield Ave Glendale, CA 91204

Email:agharib2@yahoo.com

سیمین : گورم به خاک وطنم

یک متر و هفتاد صدم افراشت قامت سخنم
یک متر و هفتاد صدم از شعر این خانه منم
سیمین بهبهانی

سیمین بهبهانی، به گمان من، بهترین و بزرگترین شاعر در قید حیات ماست. این به معنای نادیده گرفتن ارزشهای فراوان دیگر شعرای معاصر نیست. هوشنگ ابتهاج، شفیعی کدکنی، سید علی صالحی، شمس لنگرودی، (و از میان متاخرین) حافظ موسوی، هیوا مسیح، و بهزاد زرین پور همه شعرای خوب و برجسته ای هستند. اما در میان این جماعت شاعر و در بین این قوم، سیمین بهبهانی جایگاه برجسته و والایی دارد.

سبک خاص او در شعر، انقلابش در غزل، پیوند دادن موضوعات اجتماعی روز با شعر کلاسیک و جان دوباره بخشیدن به این سبک شعر، شخصیت مبارز و نستوهش، و نیز مقبولیت خاص و عام او و شعرش، قدر و منزلتی والا و جایگاهی رفیع تر از بسیاری از اهالی قلم به او بخشیده.

در اشعار بهبهانی هم از سنت شعری چند صد ساله فارسی سراغ می توان گرفت، هم از ابداعات ادبی نیما. هم از غزلهای گل و بلبل کلاسیک نشانی هست، هم از دغدغه های سیاسی و اجتماعی معاصرینی همچون نصرت رحمانی یا احمد شاملو.

ردپای زنانگی اشعار فروغ فرخزاد را هم می توان یافت. محبوبیت و مقبولیت عام هم دارند. همه اینها دست بدست هم میدهند تا بهبهانی به شاعری بدل شود در حد و اندازه یک شاعر ملی.

سیمین بهبهانی در سال ۱۳۰۶ در تهران در خانواده ای اهل فرهنگ زاده شد. پدرش عباس خلیلی نویسنده و روزنامه نگاری پیشرو و شناخته شده بود. مادرش (خانم فخر عظیمی ارغوان) نیز شاعر، نویسنده و روزنامه نگار بود. بهبهانی لیسانس خود از دانشکده حقوق دریافت کرد و سالیان دراز در دبیرستانهای تهران به تدریس ادبیات پرداخت. سرودن را از چهارده سالگی آغاز کرد. با چارپاره های نیمایی آغاز کرد و سپس به غزل روی آورد و آن را با مسائل روز و سوژه های نمایشی و گفت و گوها پیوند داد. غزل سیمین سبکی خاص و متمایز دارد که در نوع خود منحصر به فرد است. بهبهانی در مقدمه کتاب از سال های آب و سراب در پیوند با سبک و قالب شعری اش مینویسد:

برخی از من میپرسند که چرا در این قالب پای فشرده ام و آن را رها نمیکنم. حالا دیگر نوبت من است که از آن ها بپرسم که در این قالب چه کم گذاشته ام و چه خواسته ام بگویم

که نگفته ام. باید توجه داشت که عمر آدمی چندان دراز نیست که هر ساعت تجربه بی آغاز کند و به ثمر نرسیده از آن بگذرد، در واقع من بیشتر عمر خود را در تجربه دلخواه خود صرف کرده ام و امروز حاصلم این است که پیش روی شماست. اگر به کمال نرسیده باشد از آن روی است که مرحله کمال به دوری ابدیت است و هر قدر بیشتر بتازیم مقصود پیش تر از ما تاخته است. باری، تلاش من همیشه آن بوده است که شایستگی توجه و محبت ادب دوستان و توان به انجام رساندن وظیفه مشکل شاعری را داشته باشم، یعنی: میخواستم شده باشم هر بهترین که توان شد

میخواستم... ولی اکنون دیگر نمانده مجالم... از سیمین بهبهانی تاکنون مجموعه های جای پا، چلچراغ، مرمز، رستاخیز، خطی ز سرعت و از آتش، دشت ارژن، یک دریچه آزادی، و یکی مثلا اینکه، منتشر شده است. یک متر و هفتاد صدم افراشت قامت سخنم

یک متر و هفتاد صدم از شعر این خانه منم. یک متر و هفتاد صدم پاکیزگی، ساده دلی جان دلارای غزل، جسم شکیبای زخم.

زشت است سیرت من، خود را در او مینگری

هی ها که سنگم نرنی! آئینه ام، میشکنم از جای برخیزم اگر، پر سایه ام، بید بنم بر خاک بنشینم اگر، فرش ظریفم، چمنم

یک مغز و صد بیم عسس فکر است در چار قدم یک قلب و صد شور هوس شعر است در پیرهنم

بر ریشه ام تیشه مزن! حیف است افتادن من در خشکساران شما سبزم، بلوطم، کهنم، ای جملگی دشمن من، جز حق چه گفتم به سخن

پاداش دشنام شما آهی به نفرین نزنم انگار من زادمتان کژ تاب و بد خوی و رمان

دست از شما گر بکشم، مهر از شما برکنم

انگار من زادمتان ماری که نیشم بزند من جز مدارا چه کنم با پاره ی جان و تنم؟ هفتاد سال این گله جا ماندم که از کف

نرود یک متر و هفتاد صدم گورم به خاک وطنم



گو ناگو

دولتی بدان معنی است که بسیاری از پناهجویان از حق دریافت پناهندگی در بریتانیا محروم و به نواحی حفاظت شده منطقه ای مسترد خواهند شد. درخواست پناهندگی این گروه در این مناطق به جریان خواهد افتاد. این گزارش به مثابه زنگ خطری برای گروه های پناهجویی است. دولت بریتانیا وجود چنین پیشنهادهایی را انکار نمی کند، اما سعی دارد اهمیت آنها را ناچیز

گاردین می گوید که سندی که بدان دست یافته است اذعان می کند که این نقشه در صورت وجود مناطق حفاظت شده و وجود فرصت های کمتر برای پناهجویانی که برای جلوگیری از اخراج به ملیت دیگری تظاهر می کنند، تنها مهاجران اقتصادی را از ورود به بریتانیا منصرف خواهد کرد. بسیاری از پناهجویان که پا به کشورهای غربی می گذارند فاقد مدارک

ناخواسته سایر کشورها را بپذیرند و حتی روشن نیست واکنش سازمان ملل چه باشد. کارشناسان امور پناهندگی عموماً نسبت به این پیشنهادها نگرشی شدیداً انتقادآمیز دارند و می گویند این پیشنهادها غیر عملی و بالقوه پر هزینه است و شرایط بدی را که پناهجویان ممکن است در مناطق حفاظت شده منطقه ای با آن روبرو شوند نادیده می گیرد. به نوشته گاردین، پناهجویان برای شش ماه در نواحی تحت حفاظت سازمان ملل باقی خواهند ماند تا ثبات به کشورهای متبوع آنها باز گردد. در عین حال کسانی که با امنیت بیشتر و دراز مدت نیاز دارند می توانند براساس یک سهمیه خاص به بریتانیا یا سایر کشورهای اروپایی منتقل شوند.

کمپ برای اخراج پناهندگان سیاسی!!

برای پناهندگان سیاسی ایرانی در ترکیه و انگلستان و کردها طرح تازه ئی را تدوین کرده اند

دولت بریتانیا تصدیق کرده است که کمیته ای در کابینه دولت پیشنهادهایی را مورد بررسی قرار داده است که براساس آن بسیاری از پناهجویانی که وارد بریتانیا می شوند به منطقه امنی در نزدیکی کشور متبوع خود باز گردانده خواهند شد.

یک سخنگوی دولت گفت که او گزارشی را که در این زمینه در روزنامه گاردین چاپ شد تکذیب نمی کند. گاردین به نقل از یک سند درز کرده دولتی نوشت که امکان دارد نواحی حفاظت شده ای تحت نظر سازمان ملل برای استرداد پناهجویان در کشورهای مختلف ایجاد شود.

گاردین نوشت که کشورهای ترکیه، ایران و بخش شمال عراق که تحت تسلط کردها است برای پناهجویان عراقی، شمال سومالی برای پناهجویان اهل جنوب سومالی و مراکش برای پناهجویان اهل الجزایر اختصاص داده خواهد شد. این روزنامه نوشت که این سند

جلوه دهد. یک سخنگوی دولت گفت که سندی که گاردین به آن اشاره کرده است فاقد اعتبار رسمی است و تاکید کرد که تصمیمی در مورد آن اتخاذ نشده است. اما این پیشنهادها در حالی مطرح می شود که دولت بریتانیا در زمینه مسائل مربوط به پناهندگی تحت فشارهای شدید سیاسی قرار دارد.

بریتانیا اخیراً به یکی از مقاصد اصلی پناهجویان در اتحادیه اروپا بدل شده است و انتظار می رود آمارهای پناهندگی سال ۲۰۰۲ نشان دهد که شمار درخواست های پناهندگی برای نخستین بار از مرز ۱۰۰ هزار نفر گذشته است.

در همین حال دولت های غربی به طور فزاینده ای درباره یافتن راه حلی منطقه ای برای مساله پناهجویی بحث می کنند. استرالیا در این زمینه پیشگام شده است و کشورهای جنوبی شرقی آسیا را قانع کرده است درخواست پناهندگی بسیاری از پناهجویان به این کشور را بررسی کنند.



این روزنامه می نویسد که مقام های بریتانیایی به عنوان نمونه ای موفق، به تدابیر بین المللی در دهه ۱۹۷۰ برای رسیدگی به پناهندگانی که از هندوچین می گریختند اشاره می کنند. اما به گفته کارشناسان امور پناهندگی براساس آن برنامه کشورهای منطقه ای، میزبانی پناهجویان را به شرط آنکه هزینه ای نداشته باشند و در نهایت به کشور دیگری منتقل شوند پذیرفتند.

شناسایی و گذرنامه هستند. کارشناسان پناهندگی می گویند که پرسش های بی پاسخی در مورد این طرح وجود دارد، از جمله این مساله که آیا کشورهایی که از آنها برای ایجاد مناطق حفاظت شده نام برده شده است، حتی در صورت وجود اینگزه های مالی قوی، مایل به همکاری خواهند بود یا خیر. یک کارشناس این پرسش را مطرح می کند که چرا برخی کشورها باید پناهجویان

و همه اینها نه به خاطر اینه که بهم دروغ گفتی چون از اول هم باورت نداشتم ...
 نه به خاطر اینه که منو اذیت کردی چون من هم خیلی هارو اذیت کردم ...
 نه به خاطر اینه که منو دوست نداشتی چون من هم خیلی ها رو دوست نداشتم ...
 نه به خاطر اینه که برای صحبت کردن باهات منتظر میموندم چون انتظارش لذت بخش بود...
 نه به خاطر اینه که خوشتیپ یا خوش هیكل بودی چون بهتر از تو برام میمردن ...
 نه به خاطر اینه که چهار کلاس سواد داشتی چون میدونستم حرف تازه ای برام نداری...
 نه به خاطر اینه که به حرف های دور و بریات راجع بهم گوش میکردی چون میدونستم نمیتونی بفهمی که همشون به خاطر اینکه با منی به تو حسودیشون میشد...
 بلکه به خاطر اینه که باعث شدی گریه کسی رو بینم که از دنیا برام بیشتر ارزش داره ...
 و بهم ثابت کردی که لیاقتشو نداری که حتی برای یه بار دیگه صدامو بشنوی ...
 امیدوارم تو زندگیت همیشه موفق باشی ولی حیف که میدونم داغی که برای همیشه از نبودن با من رو دلت میمونه همه چیو کوفتت میکنه!

تفر نامه !

میدونم که یه روزی منو مبینی و بدون اینکه بفهمم از پهلوام رد میشی.
میدونم که خیلی فکرهای بی ربطی میکنی که هیچکدومشون هیچ اهمیتی برام ندارن ولی میخوام بدونی که از لباسهائی که تو برام خریدی گریه ام میگیره ...
 از لباسهائی که تو برام خریدی گریه ام میگیره ...
 از حرفهائی که به تو میزدم و تو دلت غش میرفت خندم میگیره ...
 از بوی نفسهائی که با هم قسمت کردیم حالم به هم میخوره ...
 از خنده های که با فکر تو رو صورتتم میومد چندشم میشه ...
 از غذاهائی که با هم خوردیم عوقم میگیره ...
 از فکر لحظه هائی که تو آغوش من آروم میگرفتی ترسم میگیره ...
 به خاطر همین از عمرم به خاطر لحظاتی که با تو سپری کردم شرمندم ...